

پایله‌های ظهور

(بررسی جلوه‌های زنانه از منظر نقد زن محور در رمان طوبا و معنای شب)

سیمین پناهی فرد^۱

دکتر قدمعلی سرامی^۲

چکیده

جلوه‌های زنانه یکی از رهیافت‌های نقد ادبی مربوط به زنان است که به بررسی شخصیت زنان در آثار نویسندگان می‌پردازد و این موضوع بستر مناسبی است برای رمان «طوبا و معنای شب» که در آن مسائل و دغدغه‌های زندگی زنان که به نوعی مورد ستم فرهنگ نرینه‌سالار قرار گرفته‌اند، بیان شده است. پارسی‌پور در این رمان با ترسیم دوره گذار از جامعه سنتی دوران قاجار به تجدد دوران پهلوی و در نهایت به دگرگونی دوران انقلاب می‌رسد و همزمان با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه با پرده برداشتن از بخش‌های جدید هویت زنانه، زوایای پنهان وجود زنان و مبارزه آنها برای کسب هویت از دست رفته‌شان را به تصویر می‌کشد و با انتقاد از نظام مردسالار نشان می‌دهد چطور با تغییر فرهنگی جامعه، نوع نگرش و شیوه زندگی زنان نیز تغییر می‌یابد و این تحول فرهنگی و اجتماعی به تحول شخصیتی زنان و پوست‌اندازی و بیرون آمدن آنها از پیله کهنه نظام مردسالار ایران منجر می‌شود. در این مقاله بر آن شده‌ایم تا به نقد رمان طوبا و معنای شب از منظر فمینیستی پردازیم و نگاه زنانه او را در این مجال واکاوی نماییم.

کلیدواژه‌ها: نقد زن محور، شهرنوش پارسی‌پور، طوبا و معنای شب، فمینیسم.

مقدمه

جنبش فمینیسم بر هنر و ادبیات ایران تأثیر بسیار زیادی گذاشته است. فمینیسم که به معنای اعتقاد به تساوی حقوق زن و مرد، زن باوری و نهضت آزادی زنان ترجمه شده است، حرکت و جنبشی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که طی دو بیست سال گذشته جهان را مورد تاخت و تاز قرار داده و این نهضت بزرگ زنانه که مهم‌ترین خواسته آن ایستادگی در مقابل تبعیض جنسی و نابرابری جنسیتی ناشی از نظام مردسالار است، از یک سو مبتنی بر احقاق حقوق انسانی زنان و از سوی دیگر تلاشی همه جانبه برای رسیدن به خواسته‌های مشترک و مشخص زنان در جامعه امروز است. این جنبش نیز همچون سایر حرکت‌های پیشرو و تأثیرگذار در غرب ابتدا در ادبیات و هنر شکل گرفت و سپس از طریق آثار ادبی و هنری وارد حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی شد. در ایران نیز پس از انقلاب مشروطه به تدریج نگاهی جدی به مقوله حقوق اجتماعی و ضرورت عدالت اجتماعی شکل گرفت که به تبع آن داستان و شعر نیز به عنوان محملی برای انعکاس سخنان جدید به کار گرفته شد. پس از مشروطه با ظهور صادق هدایت و نوشتن داستان مدرن، تغییراتی در ذهن و زبان نویسندگان به وجود آمد و متأثر از آن حضور زن در داستان معاصر حضوری کاملاً جدید و غیرمنتظره شد و داستان‌نویسان زن و مرد معاصر تحت تأثیر فضای جدید قرار گرفتند و به تصویرپردازی و سخن گفتن از زنی پرداختند که تا پیش از آن صرفاً به عنوان ابزاری برای کامیابی و لذت‌جویی‌های مردانه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

از آنجایی که ادبیات، به‌ویژه داستان از سرمایه‌های فرهنگی ملت‌هاست و در مقایسه با سایر هنرها از قدرت و تأثیرگذاری زیادی برخوردار است، نقد درست و موشکافانه آن می‌تواند سبب رشد و پویایی‌اش شود. نویسندگان قشر عظیمی از جمعیت تأثیرگذار کشورها را تشکیل می‌دهند؛ زیرا از یک سو در پویایی و تداوم حیات فرهنگی و فکری یک ملت و رشد و پیشرفت همه جانبه آن نقش بسزایی دارند و از سوی دیگر اگر آثار و افکارشان بررسی شود، می‌توان ضعف‌های موجود جامعه را کشف و نقاط مثبت آن را تقویت کرد. «در نقد ادبی فمینیستی رویکردهای مختلفی ایجاد شده است، اما شاید بتوان نقطه مشترک در همه این شیوه‌ها را چنین بیان کرد: بررسی و نقد رشته‌های موجود و پارادایم‌های سنتی در مورد زنان و سرشت و نقش‌های اجتماعی زنان. در کل نقد فمینیستی در پی آن است که ایدئولوژی و فرهنگ حاکم بر یک اثر را از دیدگاه زن‌محور بسنجند» (هام، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

پیشینه تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی جلوه‌های زنانه و یافتن نشانه‌های فمینیسم در رمان *طوبیا و معنای شب* با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی مشکلات و دغدغه‌های زنان می‌پردازد. با توجه به اینکه ادبیات ما به‌طور کلی برساخته مردان است، نقد زن‌محور می‌تواند با پرداختن به مسائل زنان، در ایجاد برابری حقوق زن و مرد گام مؤثری بردارد. آنچه ضرورت نقد و تحلیل این رمان را از منظر نقد زن‌مدار آشکار می‌کند، فقدان منابع منسجم، مستدل و کافی پیرامون شخصیت‌های زن این رمان به عنوان افرادی عینی و قابل دسترس است. پیش از این، پژوهش‌های دیگری درخصوص این رمان انجام شده است که هیچ‌یک به اندازه پژوهش حاضر به صورت دقیق و طبقه‌بندی شده با نمونه‌های مرتبط و مستند از متن رمان، ویژگی‌های زن‌مدارانه آن را با ذکر جزئیات بیان نکرده که امید است برای پژوهشگران بعدی راهگشا باشد. اما کارهایی که درباره این رمان انجام شده‌اند، عبارتند از:

- اسطوره زن‌محور، مشخصه‌ای سبکی در آثار شهرنوش پارسی‌پور، گلی ترقی و غزاله علیزاده از فرزانه مونسان (۱۳۹۲).
- اسطوره زن، تحلیل فلسفی *طوبیا و معنای شب* از مشیت علایی (۱۳۳۸) که هر دو مقاله، شخصیت قهرمان داستان را از منظر اسطوره‌ای بررسی کرده‌اند.
- تأملی در *طوبیا و معنای شب* از حورا یآوری (۱۳۳۸).
- نقد ادبی: روایت دگرگونی‌های روحی و عاطفی از حورا یآوری (۱۳۸۵).
- نقد و بررسی آثار داستانی شهرنوش پارسی‌پور از حسن حدادی (۱۳۸۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- قهرمان رمان *طوبیا و معنای شب* در ساحت واقعیت از زهرا رفیعی، سید محمود سیدصادقی و شمس‌الحاجیه اردلانی که در این پژوهش‌ها تمامی آثار پارسی‌پور از منظر فلسفی و سوررئالیستی مورد مذاقه قرار گرفته‌اند.
- تطبیق محتوای سه‌گانه نجیب محفوظ و *طوبیا و معنای شب* از دیدگاه عناصر داستانی از زینب عرب نژاد، مریم ایرانمنش و محمدرضا نصر اصفهانی، (۱۳۹۲).
- بررسی تطبیقی عناصر داستانی در دو رمان *خانه‌ادریسی‌ها* و *طوبیا و معنای شب* از پریسا اختیاری سلماسی (۱۳۹۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه ارومیه. این دو پژوهش نیز این رمان را از منظر عناصر داستانی مورد بررسی قرار داده‌اند.

پیدایش جنبش فمینیسم و ظهور زنان نویسنده

توجه به علت‌های محرومیت زنان مهم‌ترین نکته در تاریخ فمینیسم است که از دو جنبه قابل بررسی است: الف. تغییر دید جامعه نسبت به علل ضعف زنان؛ ب. تفکیک تفاوت جنس و جنسیت. نقد ادبی فمینیستی می‌کوشد نشان دهد که جامعه مردسالار بر چه سازوکارهایی استوار است و چه سازوکارهایی از آن محافظت می‌کنند و هدف نهایی آن دگرگون ساختن مناسبات اجتماعی است. فمینیست‌ها به این دلیل از این کنش دگرگون‌کننده دفاع می‌کنند که معتقدند جامعه مردسالار به نفع مردان عمل می‌کند و منافع مردان را برتر از زنان قرار می‌دهد. نتیجه منطقی چنین اعتقادی این است که جامعه مردسالار بر زنان ستم روا می‌دارد. مری ولستون کرافت اولین زنی بود که معترضان خواستار بر خورداری زنان از حقوق عصر روشنگری شد. پس از او ویرجینیا وولف بیشترین تأثیر را در کنار سیمون دوبووار و جولیا کریستوا بر ادبیات و نقد فمینیستی داشته‌اند. او معتقد است که زنان به برکت آزادی، نه فقط رمان‌نویسان خوب که شاعران خوبی نیز خواهند شد. به نظر او اشتقاق زن و مرد، که ساختار سلطه بر انسان تحمیل کرده است، باید جای خود را به وحدت آن دو بدهد. وولف ضعف آثار نویسندگان زن را چنین ریشه‌یابی می‌کند:

«ناتوانی زنان یک نوع ناتوانی اجتماعی و اقتصادی است. زن نویسنده ناچار از دشواری‌های بزرگ، پیشداوری‌ها و خودخواهی‌های اقتصادی مردان جان به در برد و کلید آزادی او کلید در اتاقی است که می‌تواند آن را اتاق خود بنامد و می‌تواند با همان آزادی و استقلال برادرانش در آن زندگی کند. این اسارت اقتصادی، آدم‌ها را به خشم می‌آورد. خشم پرهیاهوی تحکم‌آمیز مرد را که بر ادعای برتری خود پا می‌فشارد و ابراز انزجار نق‌نقوی تیز زن را که برای دست یافتن به حقوق خود جیغ می‌زند. محصول هر دوی اینها ادبیات بد است؛ زیرا ادبیات - در اینجا داستان - همدردی فراگیری را می‌طلبد که بر فراز احساسات هر دو جنس قرار گیرد و آنها را درک کند. هنرمند بزرگ باید دو جنسی باشد» (کوئن تین، ۱۳۷۳: ۲۵۳)..

سیمون دوبوار نیز در سال ۱۹۴۹ با نوشتن جنس دوم، جنبش زن‌محورانه را احیا نمود و اظهار کرد در جوامع غربی همه نویسندگان پدرسالاران و زنان همواره به عنوان «جنس دیگر» نادیده گرفته می‌شوند. او معتقد است این طبیعت نیست که باعث محدودیت نقش‌های زنان شده است؛ بلکه این نقش‌ها زائیده مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، سنت‌ها و قوانین کهن است که زنان نیز کم و بیش در پیدایش آن سهیم بوده‌اند. «دوبوار برای دست‌یابی زنان به استقلال توصیه می‌کند که زنان به کاری اشتغال داشته باشند و به دانش خویش بپردازند» (آندره، ۱۳۷۲: ۱۱۵-۱۱۶). چند سال بعد برخی از منتقدان فرانسوی چون الن سیزو و لوس ایریگاری نیز اصطلاح «نوشتار زنانه» را مطرح کرده‌اند و هدفشان آن است که زنان هنگام نوشتن از انرژی و تکانه‌های جنسی خاص زنانه بهره می‌گیرند که این امر در گفتمان مردسالارانه و عقل‌مدار مردان جایی ندارد.

نقد زن‌محور و نموده‌های آن در ایران

«تفکر فمینیسم بر مبنای برابری میان زن و مرد شکل گرفته است؛ یعنی آنها بدون توجه به جنس باید از حقوق و موقعیت‌های برابری برخوردار باشند. فمینیسم تلاش و پیکاری در راه برابری زن و مرد و رفع تبعیض از زنان است» (سارسه، ۱۳۸۵: ۹). نخستین جرقه‌های دفاع از حقوق زنان در ایران پس از انقلاب مشروطه رخ داد و شاعران و نویسندگان بسیاری در جهت سامان بخشیدن به این موضوع تلاش کرده و حتی جان خود را از دست داده‌اند. مردانی که روایت‌گر اوضاع زندگی زنان بودند، هرگز نتوانستند چهره واقعی یک زن را در بیان خواسته‌ها، احساسات و عواطفش به تصویر بکشند. در نتیجه با ورود زنان به عرصه نویسندگی و خلق آثار برجسته‌ای درباره خود، دریچه تازه‌ای گشوده شد. یکی از این زنان شهرنوش پارسی‌پور است که راه سیمین دانشور را در احقاق حقوق زنان ادامه می‌دهد و در آثارش به طرح مسائل زنان ایرانی و اعتراض به نابرابری‌های جنسیتی می‌پردازد.

بررسی فرهنگ و ادبیات از منظر نقد زن‌محور دارای فوایدی است که از یک‌سو به مردان و فرهنگ مذکر حاکم بر فضای فردی و اجتماعی امکان می‌دهد تا تصویر نادرستی را که از زنان ترسیم کرده‌اند، مورد بازنگری قرار دهند و به غیرواقعی بودن آن پی ببرند و بکوشند تصویری درست و منصفانه از زنان ارائه دهند و از سوی دیگر به خود زنان امکان می‌دهد که با شناختن و فاصله گرفتن از

تصویر غیرواقعی خود در جامعه مردسالار بتوانند خود را بهتر ارزیابی نموده و تصویر درست‌تری از خود ترسیم کنند.

در نقد زن‌محور ویرجینیا وولف در سال ۱۹۱۹ با نوشتن *اتاقی از آن خود*، نخستین گام را در عرصه ادبیات برداشت و در اعتراض به نگرش مردان به زنان اعلام کرد که «حتی هویت زنانه هم به وسیله مردان به تصویر کشیده می‌شود» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۴). درباره شیوه نقد زن‌محور و نگاه از این منظر به آثار یک نویسنده دو شیوه را می‌توان در نظر گرفت: اولین شیوه اینکه با یافتن شخصیت‌های زن داستان و بررسی نقش آنها مشخص کنیم نویسنده با خلق این نقش‌ها در داستان چه هدفی را دنبال می‌کند و تا چه اندازه می‌خواهد مسائل زنان را مطرح کند. شیوه دیگر از منظر تحلیل زن نویسنده است که مثلاً بینیم پارسی‌پور به عنوان یک داستان‌نویس زن تا چه حد در رمانش به مسائل زنان توجه کرده است.

«هرچند در تاریخ ادبیات کلاسیک به دلیل سلطه فرهنگ مردسالار، غالباً تصویری غیرواقعی و منطبق بر ایدئولوژی مردمحور از زن ارائه شده است و این فرهنگ گاهی چنان در همه زمینه‌ها رسوخ کرده است که خود زنان نیز این فرهنگ مسلط تلقین شده را پذیرفته و حتی آن را رواج داده‌اند. به‌طور کلی تصویر ارائه شده از زنان در تاریخ ادبیات بیانگر عقاید مردان و پیش‌داوری آنان درباره زنان است و این تصویر به نظر فمینیست‌ها دور از حقیقت است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۲۹).

نگاهی به شهرنوش پارسی‌پور و آثارش

شهرنوش پارسی‌پور در خانواده‌ای روشنفکر، فرهیخته و آگاه پرورش یافت و همین امر سبب شد او به تشویق پدر و مادرش نویسندگی را از سیزده‌سالگی آغاز کند و از شانزده‌سالگی داستان‌هایش با نام مستعار «شهرین» در گاهنامه‌های گوناگون به چاپ برسد. او در دوره‌ای که بیشتر زنان و دختران ایرانی سواد اندکی داشتند و با تن دادن به ازدواج‌های اجباری مشغول بچه‌داری و کارهای تکراری منزل می‌شدند، پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل به دانشگاه سوربن فرانسه رفت که همین دانش‌اندوزی و اقامت چندساله‌اش در اروپا موجب شد به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی فاحشی بین جامعه غرب و کشور ما، به‌ویژه در خصوص رفتار با زنان، پی ببرد که نمود این دانش و آگاهی را به زیبایی در آثارش به نمایش گذاشته و این امر او را به پرکارترین زن نویسنده معاصر پس

از انقلاب اسلامی تبدیل کرده است. از آثار پارسی‌پور به جز ترجمه‌هایش می‌توان به رمان‌های: سگ و زمستان بلند؛ طویا و معنای شب؛ زنان بدون مردان؛ عقل آبی؛ ماجرای ساده و کوچک روح درخت؛ شیوا؛ مردان در برابر زنان؛ بر بال باد نشستن و مجموعه داستان‌های: تجربه‌های آزاد؛ آویزه‌های بلور؛ آداب صرف چای در حضور گرگ اشاره کرد.

تحلیل و بررسی رمان طویا و معنای شب

داستان طویا و معنای شب از منظر راوی سوم شخص مفرد و دانای کل روایت می‌شود، اما تقریباً همه شخصیت‌های داستان از زاویه چشم طویا به دنیا می‌نگرند و از دهان او سخن می‌گویند. پس از چاپ این رمان در سال ۱۳۶۸ نام شهرنوش پارسی‌پور بر سر زبان‌ها افتاد و این کتاب در زمان کوتاهی بارها تجدید چاپ شد و منتقدان بسیاری به نقد و بررسی تکنیک‌های روایی آن پرداختند و تحت‌تأثیر شخصیت قوی طویا قرار گرفتند. طویا زنی است با ریشه‌های عمیق در سنت که هم مجذوب عرفان و فلسفه شرق است و هم فریفته اندیشه‌ها و زندگی مدرن غرب. به واسطه دید عرفانی و آنچه از کودکی از پدرش آموخته، قادر است واقعیت‌های اطرافش را بی‌پرده درک و مشاهده کند. رخداد‌های آینده را پیشگویی و حتی با مرده‌ها- ستاره و مریم- ارتباط برقرار کند. طویا زنی ست که در مواقع لزوم عشق می‌ورزد و از خودگذشتگی می‌کند و در زمانی که به او و حریم شخصی‌اش تجاوز کنند، عصیان می‌کند و خشمگین می‌شود و در مقابل زور و استبداد جامعه مردسالار می‌ایستد. طویا دوبار ازدواج می‌کند که در ازدواج نخست با وجودی که بیش از چهارده سال ندارد، برخلاف رسم و سنت جامعه و برای نجات مادرش که خواستگار دیگری دارد، خود از حاجی پنجاه‌ودو ساله خواستگاری می‌کند و به عقدش درمی‌آید و پس از تحمل چهارسال زندگی طاقت‌فرسا با اعتصاب غذا حاجی را وادار می‌کند طلاقش بدهد. سپس با فریدون میرزا ازدواج می‌کند و صاحب سه دختر و یک پسر می‌شود. اما وقتی می‌فهمد شوهرش با دختری چهارده ساله ازدواج کرده است، این بار نیز برخلاف سنت، خود برای طلاق پیشقدم می‌شود و برای کسب استقلال مالی و اداره امور منزل به قالی‌بافی در زیرزمین خانه مشغول می‌شود. طویا زنی ست مستقل و محکم که هم راهنمای فرزندانش در زندگی ست و هم می‌داند که خود از زندگی چه می‌خواهد. او آنقدر شجاع است که دو جسد - ستاره و مریم- را زیر درخت انار خانه‌اش به خاک می‌سپارد. طویا عمر طولانی دارد و داستان زندگی‌اش نیز

طولانی‌ست و برخلاف بسیاری از زندگی‌های زنان آن دوران که در حصارخانه می‌گذرد و هیچ اتفاق جالبی در آن رخ نمی‌دهد، از هم گسسته و تکراری نیست.

«طوبا برخلاف بسیاری از شخصیت‌های داستانی که نمی‌دانند و نمی‌پرسند چرا و چگونه زندگی کرده‌اند، در جستجوی پاسخی برای زندگی است. می‌خواهد به گذشته برگردد و به زندگی خود در کلیت آن نگاه کند و معنایش را بفهمد. درگیری و سواس گونه طوبا برای فهمیدن معنای زندگی‌اش او را از راه‌هایی عبور می‌دهد که کمتر مسافری از آن گذشته است و همین جستجو که لحظه‌ای ره‌ایش نمی‌کند، منزلگاه‌های زندگی او را به هم پیوند می‌دهد و از قصه آن یک روایت منسجم و به هم پیوسته می‌آفریند. پرسش طوبا هم این جهانی است و هم آن جهانی، هم مذهبی است، هم سیاسی، لاهوتی و روشنفکرانه و درست به همین دلیل است که قصه زندگی او با داستان تاریخ ایران در گذر از سنت به مدرنیته با موقعیت زنان که او محور اصلی آنان است، یکی می‌شود» (یاوری، ۱۳۸۵: ۳۱۰).

در پایان، طوبا نزد حضرت گدا علیشاه می‌رود و می‌گوید در جستجوی حقیقت است. آقا می‌گوید حقیقت همیشه جلوی چشمانش بوده است. سرانجام درخت انار خانه بار می‌دهد. طوبا حقیقت را دانه‌های انار می‌داند. دانه‌های خونین آن از آفرینشی در پوسیدگی، از زندگی برخاسته از مرگ خبر می‌دهد. او هرگز عاشق نشده و می‌بیند تنها اعتبار زندگی‌اش دیدار با آقای خیابانی و آن روزها بهترین روزهای عمرش بوده است. او به حال مونس و مریم غبطه می‌خورد. طوبا با انارها، جوهره ستاره و مریم که به آنها ستم شده است، به میان مردم بازمی‌گردد تا حقیقت نامیرای عشق را بین آنها تقسیم کند، اما هیچ‌کس حرفش را نمی‌فهمد و طوبا همراه خانه‌اش ویران می‌شود.

بازتاب دیدگاه‌های زن‌مدارانه در رمان *طوبا و معنای شب*

پارسی‌پور با انتشار این رمان و نشان دادن ستم‌هایی که به زنان شده، نامش را به عنوان یک نویسنده زن فمینیست ایرانی ثبت کرده است. او تار و پود اجتماع مردسالار ایران در دوره قاجار و پهلوی تا وقوع انقلاب را در زندگی طوبا به هم می‌بافد.

«در آن سال‌ها هنوز فضاهای خصوصی با دیوارهای سر به فلک کشیده از عرصه‌های عمومی جدا می‌شود. هنوز زمین چهارگوش و ساکن است و هنوز دور زمین درست مثل دور خانه‌ها دیواری است که دروازه‌های زندگی را به روی همه چیز و همه کس فرومی‌بندد و از همه مهم‌تر اینکه هنوز

میان زن و اندیشه هیچ پیوندی نیست و زنان در درون دیوار خانه‌ها فرصت نفس کشیدن در هوای پاک فکر و اندیشه را از دست می‌دهند» (یاوری، ۱۳۶۸: ۱۳۱).

نویسندگان زن را می‌توان زبان حال زنانی دانست که در مرحله‌ای از تحول اجتماعی به درکی دیگر و شناختی تازه از خود و موقعیتشان در جامعه رسیده‌اند. آنان که در رویدادهای انقلابی حضوری جدی داشتند، زبان باز کرده‌اند تا از خود و مسائل و آرزوهایشان بگویند و ادبیاتی پدید آورند که جای مهمی در ادبیات دهه ۱۳۶۰ دارد. به قول پارسی‌پور «تجربه انقلاب و جنگ و پیامدهای اقتصادی و روانی آن، زنان را به میدان حادثه پرتاب کرده و این گویا یک فرمان تاریخی است» (پارسی‌پور، ۱۳۶۷: ۹).

پارسی‌پور به‌عنوان یک نویسنده فمینیست به ضرورت زنانه‌نویسی در ادبیات پی برده و به نگاهی زنانه در آثارش معتقد است و آثارش را متأثر از دیدگاهی زنانه می‌داند؛ دیدی که موجب توصیف دقیق و صمیمی زندگی و احساسات شخصیت‌های داستانش می‌گردد. او می‌کوشد با خلق آثارش شأن اجتماعی زنان را بالا ببرد و ستمدیدی آنها را نشان دهد. بنابراین می‌توان گفت که تلاش در راه احیای حقوق و نشان دادن مظلومیت زنان وجه مشترک همه نویسندگان زن است. «پارسی‌پور در رمان *طوبا* و *معنای شب* به بررسی نقش زنان در تحولات تاریخی جامعه از مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷ ایران می‌پردازد. حاصل کار نوعی به خودآیی و درک احساس گم‌گشتگی زنان در تاریخ معاصر، نوعی تک افتادگی و تبعیدشدگی به خیال و مالیخولیاست» (میرعابدینی، ۱۳۹۶: ۱۱۱۸).

«زنان که طی حوادث انقلاب از چهاردیواری خانه و سنت به درآمده و در پهنه اجتماع هویتی تازه یافته‌اند، محدودیت‌ها را با ایجاد تردید در باورهای پذیرفته شده درباره زن پاسخ می‌دهند. آنان به خواندن و نوشتن رمان‌هایی که اغلب حدیث‌نفس گونه و زندگینامه وارند، در پی کسب نوعی رهایی درونی برمی‌آیند» (همان: ۱۱۱۰). بر همین اساس سیمون دوبوآر نیز می‌گوید: «احساس می‌کردم مطرود هستم و یگانه راه علاج تنهایی‌ام حدیث‌نفس گفتن است» (مک لیتاک، ۱۳۷۲: ۳۶).

پارسی‌پور به صراحت در *طوبا* و *معنای شب* رنج‌هایی را که از نظر روحی و جسمی به زن ایرانی می‌شود، بیان می‌کند و زنان را به تفکر، آگاهی و مقابله با سنت‌های نادرست فرا می‌خواند. در این پژوهش موارد مهمی را که نشان دهنده دیدگاه زن‌مدارانه پارسی‌پور در این رمان است، به ده عنوان تقسیم‌بندی کردیم که با ذکر نمونه‌های مستندی از متن رمان به آنها خواهیم پرداخت.

ازدواج اجباری و سستی

یکی از مؤلفه‌هایی که در رمان‌های زن‌محور به آن پرداخته می‌شود، ازدواج اجباری و سستی است. به همین دلیل پس از رشد و توسعه جنبش فمینیسم در جهان و ایران، زنان کوشیدند با افزایش دانش و آگاهی خود اختیار زندگی‌شان را به‌دست گیرند و شخصاً برای مسائل مهمی چون ازدواج تصمیم بگیرند. چنانچه از رمان برمی‌آید، زن ایرانی به عنوان اصلی‌ترین عامل تشکیل خانواده و تربیت فرزند هیچ دخالتی در انتخاب شریک زندگی خود ندارد و در موارد بسیاری در سنین کودکی مجبور به ازدواج با کسی می‌شود که نه او را دیده و نه می‌شناسد.

- خاله او (دخترش) را به هفده سالگی رسانده بود. به خواستگاری آمده بودند برای یک تاجرزاده خرده‌پای آبرومند و خاله رضایت داده بود. در شب زفاف مشخص شده بود که دخترک بیچاره را برای عموی داماد که پیر مردی بالای شصت سال بود، عقد کرده‌اند. گریه و شیون و زاری سودی نداشت. دختر عروس عزرائیل شده بود (پارسی‌پور، ۱۳۷۲: ۱۱۳).

- زن، منظرالسلطنه را برای پسر چهارده ساله‌اش محسن خواستگاری می‌کند. زن خیلی او را می‌پسندید که با موهای طلایی و پوست روشن و سرخ و سفید به اهل آذربایجان می‌مانست و اگر خانم شازده رضایت می‌داد، دختر و پسر را عقد می‌کردند و منتظر می‌ماندند تا دختر سیزده ساله بشود و عروسی کنند (همان، ص ۱۶۸).

تنوع‌طلبی، چندزنی و خیانت مردان

این مورد نیز از مباحث دیگری است که در رمان‌های زن‌محور به آن توجه ویژه می‌شود و پارسی‌پور در رمان طوبا و معنای شب مکرراً نشان می‌دهد که چطور مردان به خود اجازه می‌دهند به همسرانشان خیانت کنند، زن صیغه‌ای داشته باشند یا هوو بر سرشان بیاورند و با کسی ازدواج کنند که با آنها اختلاف سنی بسیار زیادی دارد؛ چون معتقدند نفس زن جوان مرد پیر را جوان می‌کند.

- البته (کلفت) به توران‌السلطنه وفادار بود و هوای خانمش را داشت و می‌دانست اگر پته را به آب بدهد، نان‌ش آجر می‌شود. اما خب خانه پستوها و زاویه‌های زیادی داشت. حرامی هم که نبود. صیغه‌ای بود و حلال و آب از آب تکان نمی‌خورد (همان: ۸۲).

- توران السلطنه به دیدار طوبا آمد و گفت که شمس الملوک تازه درد بی درمان او را درک می کند. زن چقدر از دست شوهرش کشیده بود. چقدر این مرد دبنگ خانم بازی کرده بود و چقدر گوشت تن او را لرزانده بود (همان: ۱۷۴).

سنت شکنی، خودآگاهی و خوداتکایی زنان

پارسی پور در داستان هایش در پی سنت شکنی و زیرسوال بردن باورها و رسوم کهنه و دست و پا گیر و برساخته جامعه مردسالار است و با نشان دادن زندگی ملال آور زنان سنتی از چنین وضعی انتقاد کرده و با نمایش رفتارهای سنت شکنانه در داستان هایش زنان را به تغییر و خودآگاهی تشویق می کند. او می گوید: «از این رو می نویسم چون گویا دارم انسان می شوم، کیستم؟ می خواهم بدانم که چگونه باید خدا را در ذهن مجسم کنم، حد شیطان را چگونه تشخیص بدهم؟ اینها را می خواهم ببیندیشم، نمی خواهم برایم ببیندیشند» (پارسی پور، ۱۳۶۷: ۹).

«بحث مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و کار بیرون از منزل نیز یکی دیگر از مسائل مهم و مطرح در رمان های فمینیستی است و صاحب نظران فمینیست نیاز مالی و اقتصادی زن را محملی برای تسلط و حکمرانی مردان در طول تاریخ می دانند» (بهین، ۱۳۹۱: ۲۷).

زنان همواره در طول تاریخ هویت خود را در مقابل مردان از دست داده و شغلی جز خانه داری و بچه داری نداشته و پشت حصارهای خانه در بی خبری محبوس بوده اند. مانند طوبا که وقتی اتفاقی بیرون می رود، از قحطی و گرسنگی مردم آگاه می شود. او در این رمان نشان می دهد که چگونه تربیت دختران از کودکی از آنها زنانی ستم پذیر می سازد؛ زیرا به گفته سیمون دوبوآر:

«زنان زن زاده نمی شوند، به صورت زن درمی آیند. هیچ سرنوشت زیستی، روانی و اقتصادی سیمایی را که ماده انسانی در دل جامعه به خود می گیرد، تعریف نمی کند. مجموعه تمدن است که این محصول حد فاصل نر و اخته را که مؤنث خوانده می شود، تولید می کند. تنها وساطت فردی دیگر می تواند فردی را به مثابه دیگری بیافریند. کودک تا وقتی برای خود وجود دارد، از لحاظ جنسی نمی تواند خود را متفاوت بداند» (دوبوآر، ۱۳۹۶: ۱۳).

- مونس گفت به زودی کار خواهد کرد. چه بی‌شرمی مخوفی. طوبا در اندیشه و حشمتناکی فرورفت. دخترش می‌خواست کار کند. هیچ‌کس نشنیده بود زن در اداره جایگاه مردان کار کند. مردم چه می‌گفتند. لابد دختر را تا سطح فاحشه تنزل می‌دادند (همان: ۲۴۲).

- دوره‌ای نبود که او بنشیند تا مردی بیاید و از او خواستگاری کند. باید درس می‌خواند و کار می‌کرد. مریم اگر می‌کوشید دکتر بشود، خیلی خوب بود. اینطوری به مردم خدمت می‌کرد. درآمد خوبی به دست می‌آورد و می‌توانست زندگی راحتی داشته باشد و با مرد تحصیل کرده‌ای همانند خودش ازدواج می‌کرد. این یک زندگی ایده‌آل بود (همان: ۳۴۵).

نمایش زندگی تکراری و ملال‌آور زنان

پارسی‌پور با نمایش زندگی تکراری زنان که از سوی نظام مردسالار به آن‌ها دیکته می‌شود، از این وضعیت به شدت انتقاد می‌کند و زنان را به اعتراض و تلاش برای تغییر و درآمدن از این پیله کهنه که سالیان دراز آن‌ها را محدود کرده است، تشویق می‌کند. «تکرار از مسائلی است که همواره زنان از آن رنج می‌برند و به وقت ناامیدی زندگی‌شان را تکراری و بیهوده می‌دانند. زری در سووشون خودش را نشسته پشت چرخ چاهی می‌داند و اینک طوبا خودش را دائم پشت دار قالی می‌بیند» (باقری، ۱۳۸۷: ۲۲۱).

- امینه خانم حین گله‌گزاری خندید و با لحن قانع شده‌ای گفت دیگر باور کرده است زندگی سخت است. باید دائم در دایره‌ای بچرخد و دوباره در همان دایره بچرخد. هی بسازد، هی بپزد، هی بدوزد، هی بیافد و هی فحش بدهد (همان: ۳۰۹).

- چه زندگی عبثی. اندوه تلخی زن را در خود فرومی‌برد. حسی از بیهودگی داشت. یادش می‌آمد که در تمام زندگی‌اش حتی یکبار به درستی به یک پروانه ننگریسته است. هرگز به بال‌های زیبای زنجره‌ای چشم ندوخته است. هرگز و بدتر از همه هیچ جنگل و هیچ بیابانی را ندیده است و راز تفاوت جنگل و بیابان را نمی‌داند. یکسره در دایره خانه‌ای چرخیده است که بلکه اصلاً نیز وجود نداشته باشد (همان: ۳۹۰).

نمایش احساسات و عواطف زنانه

نشان دادن احساسات خاص زنانه از مسائلی است که در رمان‌های زن‌محور روی آنها تأکید بسیاری می‌شود. احساسات زنانه طیف وسیعی از روحيات و خلییات زنانه اعم از حس مادری و حمایت‌گری، تنفر، حسادت، بی‌پناهی و تنهایی، گوش ایستادن، گریه و زاری و ... را دربرمی‌گیرد. گریه یکی از احساسات قوی در زنان است که در مردان کمتر دیده می‌شود. به عقیده سیمون دوبوآر: «مطمئناً زن به سبب آنکه زندگی‌اش براساس طغیان آمیخته به ناتوانی بنا می‌شود، این قدر آسان به گریه می‌افتد. بی‌شک زن از نظر فیزیولوژیک کمتر از مرد می‌تواند سیستم عصبی‌اش را کنترل کند. آموزشش به او آموخته که خود را رها کند. دستورها و تعلیم‌ها در این موارد سهم عمده‌ای دارند؛ زیرا دیدرو و بنژامن کنستان سیلاب اشک از دیدگان روان کرده‌اند. حال آن‌که مردان از زمانی که آداب و عادات این کار را بر آنان منع کرده‌اند، دیگر دست از گریه برداشته‌اند» (دوبوآر، ۱۳۹۶: ۵۱۷).

حس مادری و اشتیاق مادر شدن از دیگر ویژگی‌های زنانه است که اگر این نیاز را از زنان بگیریم، احساس نقص و کمبود می‌کنند. مانند مونس که بعد از عقیم شدن دچار افسردگی و خاله که پس از مرگ دختر و پسرش دچار جنون می‌شود.

- زن سرش را لای چادر پنهان کرد. بی‌اختیار سرش را روی زانو گذاشت. گفت یک چیزی مثل چینی توی دلش شکسته است. هزار تکه شده. نمی‌تواند بندش بزند. چینی هزار تکه را نمی‌شود بند زد. گفت مثل این است که آینه پاکیزه‌ای وجود داشته، بعد به گرد و غبار و قی و خون و لجن آلوده شده است. کدر شده دیگر هیچ تصویری را منعکس می‌کند. طویا گفت که علاوه بر این‌ها تکه تکه شده. حالا هیچ‌کس نمی‌تواند ثابت کند که این یک روز آینه بوده است. پولک پولک شده (پارسی پور، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

- زن صدای در را که شنید، همانند انار ترکید. هرچند مرد را بیرون کرده بود و هرچند طلاق خواسته بود، ولی انتظار داشت که مرد عجز و لابه کند. معذرت بخواهد و روی دست و پای او بیفتد. البته امکان داشت که او را بیخشد. نه امکان نداشت بیخشد، ولی شاید اینطوری آرام‌تر تصمیم می‌گرفت. اینک همانند دیوانه‌ها می‌گریست (همان: ۱۸۵).

نمود مردسالاری و نادیده گرفتن حقوق زنان

مردسالاری و ستمی که همواره مردان در طول تاریخ بر زنان روا داشته‌اند، یکی دیگر از مؤلفه‌های رمان‌های زن‌محور و فرمانبرداری آنان از باورهای مهم فرهنگ مردسالار است که در متون کلاسیک ایران نیز به وفور بیان شده است. چنانکه سعدی می‌فرماید:

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا

(سعدی، ۱۳۸۹: ۳۵۵)

در کل تصویر ارائه شده از زنان توسط ادبیات کلاسیک بیانگر عقاید مردان و پیشداوری آنان درباره زنان است و این تصویر به نظر فمینیستها دور از حقیقت است و باید مورد بررسی قرار گیرد. «نقد فمینیستی بر آن است تا با روشن کردن برخی مسائل، زنان را به جایگاهی برساند که توان بازیابی خود را بیابد و به اصطلاح فلسفی خود را در مقام فاعل بشناسند؛ زیرا تصویر زن در عموم آثار افسانه‌ای است که فرهنگ مردانه آن را چنان ساخته که با اهدافش تناسب داشته باشد. از این‌رو او را منفعل یا در واقع تبدیل به یک اژه می‌کند» (هام، ۱۳۸۲: ۳۴۳).

زن نمونه سستی ایران، زنی است فرمانبر، فداکار، ناآگاه و محصور در چهاردیواری خانه که مطیع خواسته‌ها و اوامر مرد است. همان که ویرجینیا وولف او را فرشته‌خانگی می‌نامد. «آنها بسیار فداکارند و بدون خودخواهی زندگی می‌کنند؛ گویی خودشان نیاز و خواسته‌ای ندارند و مسئول برآورده کردن نیازهای شوهران و فرزندان‌شان هستند» (بهین، ۱۳۹۱: ۲۸).

پارسی‌پور در این رمان طیف گسترده‌ای از ظلم مردان به زنان را که به وضوح بیانگر جو مردسالاری شدید در جامعه ایران است، به تصویر می‌کشد. از جمله نگاه ابزاری و جنسی به زن حتی در روابط زناشویی که کاملاً باید تحت فرمان و خواسته مرد باشد.

«طوبا با جنس مرد نمی‌ستیزد. او در هر برهه از زندگی‌اش آقایی دارد که همه چیز می‌داند و می‌تواند او را نجات دهد. حاج محمود با رفتار خشن و سرد و استهزا طوبا را می‌آزارد. اما شاهزاده فریدون میرزا طوبا را جزو املاک خود می‌داند. برای او زن‌ها مایه لذت بردن هستند. او در ابتدای زندگی با طوبا با زبانی چرب و آرام همان‌طور که تکه‌های غذا را به او می‌خوراند، افکار و عقایدش را نیز به آرامی به خورد او می‌دهد و می‌گوید که مرد همیشه شیطنتهایی دارد و زن باید در مقابل

آن‌ها صبور باشد؛ چون مرد هر خطایی کند، در آخر دوباره نزد زن و بچه‌اش برمی‌گردد» (باقری، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

- در این مدت سه ماه و ده روز طوبا فقط حق داشت سه بار ماهی یکبار به حمام برود. نه حق دیدار از خانواده‌اش را داشت، نه افراد خانواده حق بازدید از او را داشتند. زهرا موظف بود به این امور رسیدگی کند و زنان حاج مصطفی مأمور بودند تا از خروج او از خانه جلوگیری کنند (پارسی پور، ۱۳۷۲: ۴۴).

- اسماعیل تحمل زنان را نداشت. تحمل زنی را که می‌ایستد، چشم‌هایش را به‌طور جدی می‌دراند و با صراحت و دقت در تحلیل جزئیات مسئله‌ای فرو می‌رود، برای او مشکل بود. اما این یکی که پشت چرخ خیاطی می‌نشست و دسته را می‌چرخانید... برایش نه تنها آسان بود، بلکه لذت‌بخش نیز می‌نمود. این‌طور بود که زنش می‌اندیشید. در تمام تاریخ فرصت اندیشیدن را از او گرفته بودند (همان: ۳۰۵-۳۰۴).

رویایی، خیال‌بافی و آرزوهای ناکام در زنان

دیدن رویا و خیال‌بافی نیز یک ویژگی زنانه است و بیشتر رمان‌های زن‌محوری که نویسندگان زن داشته‌اند، به وفور به این مسئله پرداخته و گاهی تجربیات عارفانه و شهودی قهرمانان زن را به تصویر کشیده‌اند. مثلاً آنها قبل از وقوع اتفاقی خواب می‌بینند یا چیزی به دلشان می‌افتد. در این رمان نیز می‌بینیم که طوبا مدام رویا می‌بیند، پیشگویی می‌کند و در خیال خود با ستاره حرف می‌زند و گاهی از او درباره آینده و اتفاقاتی که در شرف وقوع است، سؤال می‌پرسد و بعد همین حالات را در مونس بعد از سقط جنین و عقیم شدنش می‌بینیم. امینه خانم نیز از رویاهایش برای طوبا می‌گوید یا طوبا که رویای یافتن حقیقت را دارد، اما گرفتاری‌های زندگی مجال برایش نمی‌گذارند.

- بی‌شک ازدواج با یک شاهزاده او را از خود بیخود کرده است. حالا فکر می‌کند سوگلی حرم می‌شود. لباس‌های زری و ترمه می‌پوشد و کنیزکان دنبالش راه می‌افتند. دیگر قالی نمی‌بافد. از سادگی به در می‌آید (همان: ۷۷).

- امینه خانم گفت که از اول زندگی دچار این تصور بوده که وقتی چندسالی حسابی زحمت بکشد، در یک جایی کارها تمام خواهد شد و او خواهد توانست کنار پنجره بنشیند، سماورش را

جوش بیاورد، چای پشت چای بخورد و سیگاری چاق کند و از آنجا به درخت‌ها و گل‌های باغچه نگاه کند (همان، ۳۰۹).

تحقیر زنان و توهین به آن‌ها

یکی دیگر از مسائل مهم که در رمان‌های زن‌محور بر آن تأکید می‌شود، توهین و تحقیر زنان توسط مردان است که آنها را موجوداتی کم‌عقل و لچک به سرانی خطاب می‌کنند که کاری جز تولید مثل، بزرگ کردن بچه‌ها و خانه‌داری از آنها بر نمی‌آید و به عنوان ابزاری جنسی باید در خدمت لذت مردان باشند و اگر مخالفتی نشان دهند، به شدت مورد انتقاد و توهین قرار می‌گیرند.

- طویا لب‌هایش از غیظ به هم فشرده شد. احساس می‌کرد روحش در تنش غوز کرده است. باور نمی‌کرد شاهزاده در تمام سال‌ها او را به مثابه خلا فرض کرده باشد. شاهزاده پاسخ داد نطفه را پدر می‌دهد. زن خلایی است که نطفه در آن می‌افتد. از نور این نطفه است که خلا قابلیت زاد و ولد پیدا می‌کند (همان: ۱۲۸).

- شاهزاده گفت: خداوندا... یک عقلی در سر زنان لچک‌به‌سر بگذار. یک پول گنده حسابی هم به این سگ در گاهت برسان تا لچک‌به‌سرها بفهمند باید احترام مردها را حفظ کنند (همان: ۱۲۱).

بیان باورهای سنتی نادرست و عقاید خرافی

در این بخش به باورهایی می‌پردازیم که هرکدام به نوعی موجب آزار و تحقیر زنان و نشأت گرفته از نظام مردسالار است که اغلب توسط مردان و به نفع آنها وضع و رایج شده و در مورد زنان به کار رفته است و می‌تواند از مؤلفه‌های زن‌محور این رمان باشد. از جمله این باورها عبارتند از:

- خوش‌قدم یا شوم بودن نوعروسان و نسبت دادن حوادث خوب و بد زندگی به آن‌ها.
- دیدن و انتخاب عروس در حمام توسط خانواده شوهر.
- شوم دانستن طلاق زنان و بازگشت آن‌ها به خانه پدری؛ چرا که معتقد بودند زن باید با تقدیرش بسازد و با لباس سفید به خانه بخت برود و تنها با کفن برگردد.
- منزوی و خانه‌نشین کردن دختران چه در منزل پدری و چه در خانه شوهر و اعتقاد به اینکه زن نباید تنها و بدون شوهرش از خانه بیرون برود یا سفر کند.

- شوهر دادن دختران در سنين كودكي به دليل اينكه اگر دختری تا بيست سالگی مجرد بماند، ترشیده می شود و باید به حالش گریست.
- اعتقاد به اینکه زن نباید در بیرون منزل کار کند و در این صورت مایه آبروریزی و سرافکنندگی خانواده می شود.

با توجه به این موارد زنان نیز همواره برای رهایی از ستم‌هایی که به آنها می‌شده به دعا و نذر و مذهب و عرفان پناه می‌بردند تا بدین وسیله کمی از آلام خود را تسکین دهند؛ مانند طوبا که به دیدن گداعلی‌شاه می‌رود و مونس که به‌طور افراطی نماز و دعا می‌خواند.

- گفتگو با مادر بیهوده بود. او در سکوت گوش می‌داد و بعد لابد می‌گفت زن باید به قسمتش بسازد و گلیم بخت کسی را که سیاه بافته‌اند، سیاه بافته‌اند و دیگر زنی که دو بخته است، بهتر است خودش را سه بخته نکند (پارسی پور، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

- گفت آنها به خوبی از این ازدواج استقبال کرده بودند، مشروط بر آنکه یک‌بار عروس را در حمام ببینند و توران‌السلطنه همه را جمعه دعوت کرده بود تا در حمام سرخانه، منظرالسلطنه یازده دوازده ساله را به خانواده داماد نشان بدهند (همان: ۱۷۵).

نمود جلوه‌های عشق در زنان

زن و مرد هر دو عاشق می‌شوند، ولی کلمه عشق برای هر دو جنس هرگز به یک معنا نیست و همین امر باعث سوء تفاهم‌های پیچیده و ابهام برانگیزی می‌شود که زن و مرد را از هم جدا می‌کند. ممکن است مردهایی نیز عاشق شوند، اما عاشق کاملی نمی‌شوند؛ چرا که حتی اگر در مقابل معشوق به زانو درآیند، آنچه آرزو می‌کنند، تصاحب اوست و می‌خواهند او را جزئی از هستی خود کنند، نه اینکه هستی‌شان را غرق او نمایند. حال آنکه زنان خود و همه زندگی‌شان را وقف معشوق می‌کنند و از همه چیزشان به نفع او کنار می‌روند.

«در زندگی مرد عشق چیزی بیش از سرگرمی نیست، حال آنکه برای زن، زندگی به شمار می‌رود. این همان اندیشه‌ای است که نیچه در *دانش شاد* بیان می‌کند. کلمه عشق برای زن و برای مرد دو معنای متفاوت دارد. آنچه زن از عشق درک می‌کند، نسبتاً روشن است. عشق فقط از خودگذشتگی نیست. هدیه کامل جسم و جان بدون قید و شرط، بدون هرگونه رعایت و ملاحظه و از هر جهت

است، همین عدم قید و شرط است که از عشق او، ایمانی که زن داشته باشد، می‌سازد. اما مرد اگر زنی را دوست داشته باشد، همین عشق را از زن می‌خواهد. در نتیجه او بسیار دور از آن است که هر احساسی را که از زن تقاضا می‌کند، برای خود نیز بخواهد» (دوبوآر، ۱۳۹۶: ۵۶۷)..

در طوبا و معنای شب هم مونس عشقش به اسماعیل را اعتراف می‌کند، ولی چون حرکتی از او نمی‌بیند، تن به ازدواج اجباری می‌دهد. ولی بعد از دو سال جدا می‌شود و نزد عشقش بازمی‌گردد.

- زن در یک اسارت روحی به طرف آینده‌ای که نمی‌دانست چگونه خواهد بود، می‌رفت. از بچگی همیشه دچار این حس بود که باید به طرف اسماعیل برود. جاذبه‌ای در او بود که می‌کشانش. نمی‌دانست این خوب است یا بد. شوهرش را برای همین ترک کرده بود (پارسی پور، ۱۳۷۲: ۲۴۶).

- (مونس) صبح با این امید برمی‌خاست تا صورت مرد جوان را که به همین منظور پشت پنجره ظاهر می‌شد، ببیند. برای او دست تکان می‌داد و قلبش از مسرت انباشته می‌شد (همان: ۲۴۹).

نتیجه‌گیری

کل رمان بر دوره گذار از سنت به تجدد تأکید دارد که این تحول ابتدا در جامعه رخ می‌دهد و سپس به تحول درونی و بیرونی شخصیت‌های زن داستان نیز منجر می‌شود. پارسی پور به‌عنوان یک نویسنده زن روشنفکر که مسائل مبتلابه زنان در ایران و اروپا را به‌خوبی درک و مقایسه کرده است، نگرش وسیعی به مشکلات زنان دارد و با دیدی موشکافانه و دقیق جزئی‌ترین دغدغه‌های آنها را نشان می‌دهد. او قهرمان داستانش را زن انتخاب کرده که ما از دریچه چشم او به مسائل و وقایع می‌نگریم. پارسی پور با خلق شخصیت‌هایی مانند ادیب، حاج محمود، فریدون میرزا و شاهزاده گیل، نظام مردسالار ایران و مظلومیت زن را به نمایش می‌گذارد و با انتخاب آنها نوعی تقابل ایجاد می‌کند. ادیب معتقد است که آسمان شوهر زمین است و چون مذکر است، از زمین حمایت می‌کند و به نوعی بر آن تسلط دارد.

از نظر او زن موجود نادانست که مرد از اندیشیدن او ضربه می‌خورد و باید از زنی که می‌اندیشد، ترسید. او حتی از حماقت و بی‌سوادی همسرش لذت می‌برد و تا وقتی زن مطیع و تحت سلطه اوست، آسوده است. ادیب زن را تحقیر می‌کند. از نظر او زن تا وقتی تنهاست یا پی یافتن شوهر است و یا دست به کارهای منحرف می‌زند. او باید آنقدر پاک و مقدس باشد تا این شایستگی را بیابد که در

شکمش مردان پاک و بزرگ را پرورد. حاج محمود نیز زیبایی و دانش زنان را به استهزا می‌گیرد و با آنها همچون یک برده رفتار می‌کند. فریدون میرزا نیز زن را چون خلایی می‌داند که تنها وقتی ارزش می‌یابد که نطفه مردی در رحمش بسته شود. می‌بینیم که طوبا و زن نوعی ایرانی تحت تربیت چنین پدری بزرگ می‌شود و با چنین مردانی زندگی می‌کند که همه این موارد به مظلومیت زن گواهی می‌دهند.

هدف او از بیان چنین مسائلی برابری جنسیتی، طرفداری‌اش از حقوق زنان و فراخواندن آنها به تلاش برای تغییر و کسب خودآگاهی زنانه است. او با بیان زندگی تکراری زنان آنها را به اندیشیدن، دانش‌اندوزی و رشد فردی و اجتماعی فرا می‌خواند و با بیان رفتارهایی که توسط شخصیت‌های زن داستان برخلاف رسوم و عرف آن دوران انجام می‌شود، سنت‌شکنی و تحول آنها را به نمایش می‌گذارد. اما نشان می‌دهد که تقابل با این سنت‌ها و رسوم نادرست و دیکته شده از سوی نظام مردسالار تبعاتی همچون تنهایی، طردشدگی، سرخوردگی و تحمل رفتارهای ناپسند دیگران را نیز در پی خواهد داشت. به این ترتیب تمام زنان این رمان قربانی شده‌اند و لیلا، همسر شاهزاده گیل، قصه محرومیت‌ها و حقارت‌هایشان را می‌گوید تا دریچه‌ای به جهانی نو و آزاد برایشان بگشاید. پارسی‌پور همانگونه که تغییرات اساسی و بیرونی جامعه را نشان می‌دهد، به تحولات درونی و هویتی زنان داستان نیز توجهی ویژه دارد و نشان می‌دهد که چطور زنان با صبر و تحمل بسیار و پشت سر گذاشتن مشقت‌های فراوان از پيله کهنه مردسالاری که سالیان دراز دورشان تنیده شده است، به درمی‌آیند و همچون پروانه‌ای آزاد به هویت زنانه خویش پی می‌برند و به خودآگاهی، آزاداندیشی و استقلال دست می‌یابند.

کتابنامه

آندره، میشل. (۱۳۷۲). *جنبش‌های اجتماعی زنان*. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: نشر نیکا.
 اختیاری سلماسی، پریسا. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی عناصر داستانی در دو رمان خانه ادریسی‌ها و طوبا و معنای شب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه. ۱۴۹ صفحه.

باقری، نرگس. (۱۳۸۷). *زنان در داستان*. تهران: مروارید.

بل، کوئنتین. (۱۳۸۵). *ویرجینیا وولف (زندگی‌نامه)*. ترجمه سهیلا بسکی. چاپ دوم. تهران: نشر نیلوفر.

- بهین، بهرام، باقری، معصومه. (تابستان ۱۳۹۱). «گذر فمینیستی از جزیره سرگردانی و به سوی فانوس دریایی». پژوهش ادبیات معاصر جهان. شماره ۶۶. صص ۲۵-۴۰
- پارسی پور، شهرنوش. (۱۳۷۲). *طوبا و معنای شب*. چاپ چهارم. تهران: نشر البرز.
- (فروردین ۱۳۶۷). «برای چه می نویسد؟». *دنیای سخن*. شماره ۱۷
- حدادی، حسن. (۱۳۸۱). نقد و بررسی آثار داستانی شهرنوش پارسی پور. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس. ۲۷۰ صفحه.
- دوبوآر، سیمون. (۱۳۹۶). *جنس دوم*. ترجمه قاسم صنعوی. چاپ دهم. تهران: نشر توس.
- رفیعی، زهرا، سید صادقی، سید محمود و اردلانی، شمس الحاجیه. (بهار ۱۳۹۶). «قهرمان طوبا و معنای شب در ساحت واقعیت». *پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی*. شماره (پی در پی ۲۷). صص ۴۹-۷۲
- سارسه، میشل ریو. (۱۳۸۵). *تاریخ فمینیسم*. ترجمه عبدالوهاب احمدی. چاپ اول. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۹). *کلیات سعدی*. چاپ یازدهم. تهران: امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). *نقد ادبی*. چاپ سوم. تهران: فردوس.
- عرب نژاد، زینب، ایرانمنش، مریم و نصر اصفهانی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «تطبیق محتوای سه گانه نجیب محفوظ و طوبا و معنای شب شهرنوش پارسی پور از دیدگاه عناصر داستانی». *نشریه ادبیات تطبیقی*. سال ۵. شماره ۹.
- علایی، مشیت. (فروردین ۱۳۶۹). «اسطوره زن، تحلیل فلسفی طوبا و معنای شب». *کلک*. شماره ۱. صص ۶۳-۷۱
- فریدمن، جین. (۱۳۸۱). *فمینیسم*. ترجمه فیروزه مهاجر. چاپ اول. تهران: آشیان.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). *کیمیای سخن*. تهران: انتشارات هاشمی.
- ان، مک لیتاک. (۱۳۷۲). *سیمون دوبوآر (زندگی)*. ترجمه صفیه روحی. تهران: نشر نشانه.
- مونسان، فرزانه. (۱۳۹۲). «مشخصه های سبکی در آثار شهرنوش پارسی پور. گلی ترقی و غزاله علیزاده». *بهار ادب*. شماره ۲۱. صص ۴۷۵-۴۹۶
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۹۶). *صدسال داستان نویسی ایران*. تهران: چشمه.
- ویرجینیا وولف. (۱۳۹۷). *اتاقی از آن خود*. ترجمه صفورا نوربخش. چاپ هفتم. تهران: نشر نیلوفر.

هام، مگى و گميل، سارا. (۱۳۸۲). فرهنگ نظريه‌هاى فمينيستى. ترجمه نوشين احمدى خراسانى. فيروزه مهاجر و فرخ قره داغى. تهران: توسعه.

ياورى، حورا. (۱۳۶۸). «تأملى در طوبا و معنای شب». *ايران‌نامه، ادبيات و زبان‌ها*. شماره ۲۹. صص ۱۳۰-۱۴۱

..... «نقد ادبى: روايت دگرگونى‌هاى روحى و عاطفى». *مجله بخارا*. شماره ۵۷ آذر و دى. صص ۳۱۹-۳۰۲